

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Historical

تاریخی

بازتایپ و ارسال از: لاله

## تاریخ حزب کار البانی

انستیتوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی  
چاپ «نعیم فراشری» تیرانا ۱۹۶۹

### بخش هفتاد و یکم

۲۰ فبروری ۲۰۱۵

#### اساسنامه حزب

این مشی صحیح سیاسی نمی توانست به موقع اجراء در آید مگر آن که کلیه انحرافات سازمانی بر افتد و مشی سازمانی مارکسیستی- لنینیستی تنظیم گردد. می بایست چرخشی که در حیات حزب پدید آمده بود با استقرار موازین مارکسیستی- لنینیستی تکمیل شود. کنگره تصمیم گرفت که نام حزب کمونیست البانی را به حزب کار البانی (ح.ک.آ.) بدل کند. این تغییر نام با ترکیب اجتماعی اهالی کشور و حزب ارتباط داشت و به هیچ وجه ماهیت و هدف های حزب را دگرگون نمی ساخت. دهقانان در البانی اکثریت یعنی تقریباً ۸۰ درصد جمعیت را تشکیل می دادند و این امر در حزب که توده عظیم اعضای آن از زحمتکشان روستا بودند نیز انعکاس می یافت. حزب کار البانی می بایست ادامه دهنده حزب کمونیست باشد.

موازین و مقررات ساختمان زندگی درونی حزب در اساسنامه حزب کار البانی که به وسیله کنگره تصویب شد شکل گرفت.

در دیباچه اساسنامه، هدف های حزب در خطوط کلی بیان شده بود: هدف نزدیک- ساختمان سوسیالیسم، هدف نهائی- ساختمان کمونیسم.

اساسنامه، نقش رهبری حزب را در دولت و نیز در سراسر زندگی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور تأیید می کرد.

ساختمان حزب و سراسر زندگی داخلی او بر اصل مرکزیت دموکراتیک قرار داشت. شرایط مبارزه رهائیبخش ملی در موقع خود فقط اجرای محدود این اصل اساسی را ممکن می ساخت. این اصل پس از رهائی البانی در اثر مداخله

رویزیونست های یوگوسلاوی و فعالیت گروه کوچی جو جی به طرز فاحشی نقض شد. کنگره «اجرای» این اصل و «حفظ آن به مثابه مردمک چشم»<sup>۱</sup> را به حزب توصیه کرد.

اساسنامه وحدت سازمانی و ایدیولوژیک یک حزب را تأسیس می کرد و این وحدت را شرط ضروری آن می شمرد که حزب بتواند وحدت توده های زحمتکش را بر گرد خویش حفظ و تحکیم کند و قادر بر نیل به هدف های خود باشد.

در این سند اساسی برای نخستین بار وظائف هر عضو حزب به مثابه مجاهد پیشرو و مبارزه برای ساختمان سوسیالیسم در کشور، برای تحکیم مداوم وحدت خلق در جبهه دموکراتیک و برای دفاع از جمهوری توده ئی البانی بیان شده بود.

به ویژه تأکید به عمل آمده بود که هر کمونیستی وظیفه دارد «سرمشق رفتار پسندیده و اخلاق نیکو» باشد، پیوند خود را با توده ها پیوسته تحکیم کند و به مثابه رهبر آنها شناخته شود.

اساسنامه مقررات پذیرش به حزب را بر اساس شرایط اجتماعی کشور در دوران گذار به سوسیالیسم معین می کرد. هر کسی که استنثار کننده کار دیگری بود نمی توانست به حزب در آید. در مورد پذیرش زحمتکشان، شروطی که معین شد بر حسب منشأ و تعلق اجتماعی داو طلب، مختلف و درجه به درجه بود و کارگران و دهقانان تهیدست حق تقدم داشتند.

تصویت اساسنامه برای حزب که زندگی درونی اش در مدت هفت سال فقط بر اساس تصمیمات، بخشنامه ها و رهنمود ها تنظیم شده بود، حادثه ای بزرگ به شمار می آمد.

اساسنامه ضمانت مطمئنی بود که دیگر در آینده به نقض مقررات و موازین لنینی حیات درونی حزب میدان داده نشود. کنگره وظیفه داد که «با کلیه روش هائی که موجب نقض مقررات و اصول سازمانی حزب، مطرح در اساسنامه، گردد مبارزه به عمل آید»<sup>۲</sup>

در عین حال کنگره تصمیم گرفت که کار ایدیولوژیک را تقویت کند. برای آن که مطالعه مارکسیسم-لنینیسم و تاریخ حزب به شکل های معمول در حزب مانند آموزش در کلاس ها و در مدرسه حزبی و آموزش انفرادی، به پیش رانده شود رهنمود هائی داده شد و تدابیر مشخص اتخاذ گردید.

کنگره کوچی کوچی و پاندی کریستو را به عنوان ترنسکیست، دشمن خلق، عامل رهبری رویونیست یوگوسلاوی، از صفوف حزب اخراج کرد.

کنگره کمیته مرکزی جدید حزب را مرکب از ۲۱ عضو و ۱۰ نامزد انتخاب کرد. هیأت سیاسی کمیته مرکزی شامل بود بر: انورخوجه، محمد شیخو، حسنی کاپو، باکیربالوکو، کوکونوشی، اسپیروکولکا، و غیره. انورخوجه دوباره به عنوان دبیر کل انتخاب شد.

کارهای کنگره با محتوایی عالی و با روحیه سالم انتقاد و انتقاد از خود صورت گرفت. شرکت وسیع و فعال نمایندگان در بحث که بر اساس مارکسیسم-لنینیسم جریان می یافت به حل موضوعات اساسی سیاست و زندگی درونی حزب کمک کرد. کنگره در عین حال که مداخله رویونیست های یوگوسلاوی و فعالیت ترنسکیستی کوچی کوچی را محکوم ساخت افراط در جهت دیگر را اجازه نداد و تشبثات کژین مارکو را که می خواست کار های کنگره را به سمت گیری کاملاً نادرستی معطوف گرداند بسیار زیانمند دانست و محکوم کرد. کژین مارکو با سوء

۱- همانجا صفحه ۴۵۹

۲- همانجا صفحه ۴۶۳

استفاده از این امر که حزب به ترسکیسم و رویزیونیسیم اعلان جنگ داده بود کوشید که مشی سیاسی قبلی حزب را کلاً رد کند و همه کادر های اصلی رهبری حزب را به ابتلاء به ترسکیسم متهم ساخت و در صدد بر آمد آنها را با کوچی جوجی در یک ردیف بگذارد و شدیداً محکوم کند. منظور وی آن بود که رهبری حزب را تغییر دهد، خود را به عنوان «منجی» حزب جا بزند و در رأس حزب قرار گیرد. افراد دیگری نیز که خطاهای کلان در مورد حزب مرتکب شده بودند روشی نظیر همین روش برگزیدند، بدین امید که مسؤولیت خود را ببوشانند و بیگناه به نظر آیند. رفیق انور خوجه با سخنرانی خویش به نمایندگان یاری داد که نیات حقیقی گزین مارکو و سایر عناصر کج اندیش را در یابند، هر گونه آشفته فکری را برانند و روحیه انقلابی و اصولی کنگره را تا پایان حفظ کنند.

نخستین کنگره حزب چرخشی را که در اثر پلنوم یازدهم در زندگی داخلی حزب و کشور پیش آمده بود باز هم تقویت و تأیید کرد، مشی عمومی صحیح مارکسیستی-لنینیستی به حزب داد و زحمتکشان را با برنامه ای علمی برای ساختمان پایه های سوسیالیسم مجهز ساخت.

کنگره پیروزی مارکسیسم-لنینیسم را بر اپورتونیسیم و ترسکیسم کامل کرد و تجربه بزرگی در مبارزه علیه رویزیونیسیم معاصر به حزب داد.

کنگره به وحدت حزب نیرو بخشید و وفاداری او را به مارکسیسم-لنینیسم و انتر ناسیونالیسم پرلتری استوار تر ساخت.

کنگره دشواری های اقتصادی و سیاسی را که در اجرای وظایف حزب بر سر راه او خواهد بود نیز در نظر گرفت و حزب را برای مقابله با کلیه موانع و غلبه موفقیت آمیز بر آنها آماده ساخت.

همه مردم اسناد کنگره را مورد بررسی و بحث قرار دادند. توده های زحمتکش مشی حزب را تماماً پذیرفتند، از اشتباهات گذشته متهورانه انتقاد کردند و فداکاری خود را نسبت به حزب و عزم خود را در اجرای برنامه حزب بیان داشتند.

وضع تازه و سالمی در حزب پدید آمد. کشور به مرحله جدیدی قدم گذاشت.

ادامه دارد...